

ارمغان غدیر

يك امر فطری - پیشگوئی از آینده -
قضاوت دلچسب - مراجعه به وجدان -
انتخاب جانشین پیامبر .

* * *

اگر شما بخواهید سفر کوتاهی بکنید (مثلاً بمکه معظمه مشرف شوید) از مدتی پیش از حرکت، فکرتان متوجه این مطلب میشود که چه کسی را بجای خود بگمارد تا در نبودن خودتان سرپرستی زندگی شما را بعهده بگیرد؛ از یک فرد عادی تا بزرگترین شخصیت اجتماعی، همه در این امر یکسان هستند، یک پیشه‌ور معمولی در اندیشه اینست: چه شخصی را انتخاب کند که در نبودن وی لیاقت جانشینی او را داشته باشد و رئیس یک دانشگاه هم در فکر اینست: چه کسی را بجای خود بگمارد که شایستگی اداره کارهای وی را داشته باشد، و این مطلب فطری بقدری روشن است که هیچکس در آن تردید نمیکند.

آیا یک پیغمبر بزرگ که با الهام کتاب آسمانی، ملتی را بوجود آورده و کشور مستقلی را تأسیس نموده و دین جهانی و جاودانی خود را بجهان انسانیت عرضه کرده است نباید در فکر این باشد که شخصیت لایقی را بجانشینی خود معرفی کند؟ آیا نباید در این اندیشه باشد که برای ادامه بر نامه اسلام و پیشبرد هدف خویش کسی را بجای خود بگمارد که پس از وی بتواند وظیفه سنگین خلافت را انجام دهد؟ آیا خداوند حکیم که اسلام را دین جاودانی و پیغمبرش را آخرین پیغمبر معرفی نموده است نباید رسول گرامی خود را مأمور کند که شخصیت برگزیده و لایقی را بخلافت خویش منصوب نماید تا این دین جاودانی را حفظ کند و پیش ببرد؟

کسانیکه میگویند: پیشوای اسلام کسی را بجانشینی خود معرفی نکرد بدون توجه، بمقام رسالت امانت میکنند.

آیا یک پیشه‌ور معمولی که سفر یک ماهه میکند کسی را بجای خود میگمارد و پیشوای بزرگ اسلام که کاملترین و عاقلترین و حکیمترین انسان است و میخواهد بسفر همیشگی آخرت برود ملت خود و دین خود را بی سرپرست رها میکند؟! البته نه.

این مطلب از بس روشن و واضح است احتیاجی ببحث و گفتگو ندارد. مطلبی که باید در

باره آن گفتگو کرد اینست که آن شخصی که بجانشینی پیغمبر خدا (ص) منصوب میشود بدون تردید باید دارای صفات برجسته و مزایایی باشد که لایق جانشینی وی گردد، و باید بعد از مقام رسالت، از همه مردم جهان عالم تر و عاقل تر و شجاع تر و عادل تر و خلاصه، کامل ترین انسان روی زمین باشد.

عقیده ملت شیعه اینست که علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از پیشوای اسلام، کامل ترین انسان روی زمین است یعنی در علم و حلم و کرم و تدبیر و کیاست و سایر مزایای روحی و فضائل اخلاقی سرآمد همه مردم میباشد.

مادر اینجا فقط چند جمله درباره علم وی گفتگو میکنیم و از ذکر سایر فضائل آن حضرت برای اختصار خودداری مینمائیم و برای اثبات مقام علمی علی علیه السلام از گفتار خود او که بتصدیق دوست و دشمن، راستگوترین فرد است دلیل میآوریم:

از سخنان آن حضرت استفاده میشود که او از حوادث آینده تاریخ قیامت باخبر بوده، و به حقایق جهان آفرینش و نظامات خلقت احاطه داشته و مسائل مشکل و پیچیده را باسانی حل مینمود.

از کلمات علی علیه السلام معلوم میگردد که او از همان زمان طفولیت دارای روحی لطیف و استعدادی خارق العاده و ظرفیتی بی مانند بوده و در صفای نفس و حساسیت روح به درجه ای رسیده است که در همان زمان کودکی نواهایی از عالم ماوراء طبیعت میشنیده و آهنگ هائی با گوش جان از جهان مافوق ماده دریافت میگرفته است.

در این خطبه میخوانیم که پیغمبر اکرم (ص) بعلی (ع) فرمود: **انك تسمع ما سمع وترى ما اري الا انك لست بنبي وانك لعلی خیر**: آنچه من از سر و گوش عالم غیب میشنوم تو نیز میشنوی ولی تو پیامبر نیستی اما بر طریق درستی گام میزنی (۱).

از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام بخوبی برمیآید که او وارث علم پیغمبر بوده (۲) و از راههای جهان بالا بهتر از راههای زمین آگاه میباشد (۳) اینک حقایق را درباره مقام علمی علی علیه السلام از زبان خود او میشنویم:

پیشگوئی از آینده

وای مردم! هر چه میخواهید از من بپرسید پیش از آنکه از این جهان بروم بان خدائی که جان من در دست اوست اگر از حوادث آینده، از امروز تا روز قیامت بپرسید بشما خبر میدهم، من

(۱) نهج البلاغه خطبه ۱۹۰.

(۲) نهج البلاغه جزء ۲ ص ۱۵ طبع مصر مطبعه استقامت (۳) نهج جزء ۲ ص ۱۵۳.

از فرقه‌هایی که بوجود می‌آید و یک‌عده را رهبری می‌کند و یک‌عده را گمراه می‌سازد آگاه هستیم ، هر جمعیتی که بوجود می‌آید میدانم ، دعوت کننده و پبشوا و سوق دهنده آن کیست و میدانم در کجا فرود می‌آید و بار میکشاید و میدانم چه کسی از آنها کشته میشود و چه کسی بمرگ عادی می‌میرد ، آن روز که من در میان شما نیستم ، حوادث سخت و ناراحت کننده‌ای بوجود می‌آید و بسیاری از پرسش کنندگان متحیر می‌گردند و بسیاری از کسانی که مورد سؤال واقع میشوند از جواب دادن بسؤالات و حل مشکلات ناتوان خواهند گشت و این در آنوقت است که جنگی سخت بین شما واقع گردد و زندگی برایتان ناگوار شود و روزگار بلا و ناراحتی را طولانی خواهید شمرد ، (۱) .

و در باره تهاجم مغول که حکومت مرکزی اسلام را ساقط کرد و سیر تکاملی مسلمین را متوقف ساخت قریب شش قرن قبل از وقوع آن چنین پیشگویی می‌فرماید .

« گویا می‌بینم آنان را (ملت مغول و تاتار) که صورت‌هایشان مانند سپر گرد است و جامه - های دیبا و حریر می‌پوشند و اسبهای اصیل و نجیب را یدک میکشند ، جنگ و خونریزی آنان بقدری سخت و داغ خواهد شد و باندازه‌ای مردم را خواهند کشت که جسد های کشتگان روی زمین ریخته و مجروحان از روی کشته‌ها عبور میکنند و آنقدر اسیر می‌گیرند که عدد اسیران بیش از فراریان خواهد بود ! » (۲) .

بدینگونه علی(ع) حوادث آینده را در آئینه ضمیر خویش می‌بیند و از حوادث چندین قرن بعد خبر میدهد .

با چنین حسن و ملاحظت اگر ایشان بشرند ز آب و خاک دگر و شهر و دیار گردند !

پوشگاه علوم انسان و مفاهیم فزنی

قضاوت دلچسب

در مشکلات اجتماعی و قضائی که برای مردم پیش می‌آید با سرعت و ابتکار عجیبی و از طرق بسیار ساده بدون درنگ آنها را حل می‌فرمود ، رساله‌ها و کتابهایی از اینگونه قضاوتها جمع آوری شده که بسیار جالب است .

یک نمونه ساده آنرا ذیلا از نظر می‌گذرانیم :

دو نفر همسفر برای خوردن صبحانه نشستند یکی سه قرص نان داشت و دیگری پنج قرص ، رهگذری رسید اورا بصبحانه دعوت کردند و آن سه نفر هشت قرص نان را خوردند رهگذر ۸ درهم داد و رفت صاحب ۵ قرص نان پدرفیش گفت : چون من ۵ عدد نان داشته‌ام و تو ۳ عدد باید

(۱) نهج البلاغه جزء ۱ ص ۱۸۳ (۲) نهج جزء ۲ ص ۱۴ .

۵ درهم ازمن و ۳ درهم از تو باشد ولی صاحب ۳ قرص نان راضی نشد و گفت : باید درهم‌ها را مساوی تقسیم کنیم داوری به نزد امیرمؤمنان (ع) بردند امام توصیه بسازش فرمود ولی صاحب ۳ قرص نان نپذیرفت و گفت : بین ما بحق قضاوت کن علی علیه السلام فرمود : قضاوت بحق اینست که تو یک درهم برداری و رفیق تو هفت درهم ، گفت : چرا ؟ فرمود : برای اینکه شماسه نفر ۸ نان خورده آید اگر ۳ در ۸ ضرب نمائی ۲۴ میشود هر یک از شما ۸ سهم از ۲۴ سهم خورده آید ۹ سهم از ۲۴ سهم مال تو بوده و ۱۵ سهم مال رفیق تو زیرا هر نانی ۳ سهم میشود و توسعه نان داشته‌ای ؛ و رفیق تو ۵ نان داشته و اگر عدد ۱۵ را با ۹ جمع کنی ۲۴ میشود تو ۹ سهم از ۲۴ سهم داشته‌ای و رفیق تو ۱۵ سهم از ۲۴ .

از این ۹ سهم که تو داشته‌ای ۸ سهم خودت را خورده‌ای و ۱ سهم آن را رهگذر، و رفیق تو که ۱۵ سهم داشته است ۸ سهم از آن خودش را خورده و ۷ سهم آن را رهگذر، و چون رهگذر در برابر ۸ سهم نان که خورده ۸ درهم داده است یک درهم بقیه می‌رسد چون از تو یک سهم خورده است و ۷ سهم به رفیق تو می‌رسد چون از او ۷ سهم نان خورده است (۱)

مراجعة بوجدان :

آیا چنین شخصیت بزرگ آسمانی که از حوادث آینده تاریخ قیامت آگاه است و بحقایق جهان آفرینش و اسرار خلقت احاطه دارد و مشکلات علمی را باسانی حل میکند و وارث عالم پیغمبر و عالم مملکت عالم است، چنین مرد مافوق تصور برای خلافت پیغمبر خدا (ص) سزاوارتر است یا کسانی که از پاسخ دادن بمسائل مختلف دینی اظهار عجز می‌کردند و بگواهی تاریخ از اشتباهات خود پوزش می‌طلبیدند؟ داوری آن را بعهده وجدان بیدار و حق طلب افرادی می‌گذاریم که آزاد فکر میکنند .

انتخاب جانشین

بر اساس همین لیاقت غیر قابل انکار علی (ع) بود که رسول اکرم (ص) از طرف خداوند عالم مأمور شد در عظیم ترین سفر تاریخی خود (سفر حجة الوداع) بهنگام برگشتن از مکه معظمه در محل غدیر خم که راهها از هم جدا میشد در روز ۱۸ ذی الحجة سال ۱۰ هجرت آن حضرت را در حضوردهها هزار جمعیت بعنوان جانشین خود معرفی کند .

پیغمبر خدا (ص) اول این سؤال را از مردم کرد : **(الست اولى باله و مؤمنین من انفسهم ؟)** یعنی آیا خداوند عالم در قرآن کریم مرا اولی بقصر و صاحب اختیار و حاکم بر مقدرات شما قرار نداده است ؟ مردم جواب دادند آری هستی آنگاه در حالی که علی علیه السلام را

پایه های فکری

(۱۰)

همزیستی مذهبی در جامعه جهانی اسلام

در شماره های پیش اصل همزیستی مذهبی را بعنوان ضروری ترین پایه های فکری برای یک حکومت جهانی مورد بررسی قرار دادیم، و علل تاریخی و چگونگی پیدایش این فکر را در غرب بیان نمودیم، سپس توضیح دادیم که همزیستی مذهبی یک فکر اصیل اسلامی است که در آیات متعددی از قرآن مجید بصورت های مختلف با تأکید و صراحت کامل سفارش شده و حکومت جهانی اسلام بر اساس این روش بنیان دارد؛ اینک مدارک دست اول دیگر اسلامی را مورد بررسی قرار میدهیم و سپس مسئله مهم دیگری را بیان خواهیم کرد و آن اینست که همزیستی مذهبی اسلامی بر واقع بینی مخصوصی بنیان دارد که غرب از این واقع بینی محروم است و همین علت در این باب هم راه اسلام از غرب جدا میشود!

در کتاب وسایل الشیعه که یکی از معتبرترین مجموعه های حدیث اسلامی است چنین آمده: علی علیه السلام بهنگام عبور از رهگذری پیرمرد افتاده و ناتوانی را دید که دست سؤال باز کرده تکدی میکند، فرمود این پیرمرد کیست؟ گفتند یا امیر المؤمنین! او یک نفر مسیحی است، علی در حالیکه سخت بر آشفته بود فرمود از او کار کشیدید و اکنون که پیرو ناتوان شده کسی کاری با او مراجعه نمیکند و در فکر او نیست: **زندگی و معاش او را از بیت المال مسلمین تأمین کنید، (۱)**

در این روایت، یکی از بزرگترین فکرهای انسانی که در قرن بیستم از طرف فلاسفه و متفکرین اجتماعی بحمايت ملياردها بشر محروم عنوان شده یعنی **تأمین اقتصادی افراد جامعه** در باره افراد غیر مسلمان توصیه شده است، در جامعه اسلامی نه تنها از هر مسلمان تأمین اقتصادی میشود بلکه افراد ناتوان و افتاده غیر مسلمان هم بی چون و چرا مشمول تأمین اقتصادی میشوند. فرمانیکه علی علیه السلام خطاب بمالك اشتر بدوران فرمانروائی اش در مصر صادر فرموده در مورد همزیستی و حمایت مذهبی مطالب فراوان دارد، باید توجه داشت فرازهای مختلف این

(۱) وسائل الشیعه کتاب جهاد باب نوزدهم.

فرمان در زمانی صادر شده که تعداد مسلمانان در کشور مصر ناچیز بوده است چند سال بیشتر از فتح مصر بدست سپاه اسلام نمیگذشت و طبیعاً در این چند سال تنها عده قلیلی اسلام را پذیرفته بودند و اکثریت مردم هنوز مسیحی بودند . مالک اشتر فرمانروای ملتی شده بود که به تبعیت سیاسی حکومت اسلامی درآمده بودند ولی اکثریت آنان مسیحی بود و اقلیتشان مسلمان . بسیار جالب است در فرمانیکه برای اداره چنین کشوری صادر شده علی چنان بمراعات حداکثر مصالح و منافع عمومی مردم مصر دستور میدهد که گوئی در میان آنان حتی يك غیر مسلمان وجود ندارد، در این فرمان چنین میخوانیم :

« ای مالک ! مهربان باش و رعیت را با چشمی پر عاطفه و سینه‌ئی لبریز از محبت بنگر، زنهار که چون حیوان درنده‌ای بفارت جان و مال آنان نپردازی !

ای مالک ! فرمانبران تو از دو صنف بیرون نیستند یا مسلمانند که با تو يك کیش و يك دین دارند و یا پیروان مذهب بیگانه که همانند تو انسانند .

(همچنانکه ترا در زندگی لفرز رخ میدهد) آنها نیز بدون لغزش نخواهند بود ، باید بآن دیده در آنان بنگری که توقع داری خداوند در تو بنگرد .»

می بینیم مالک موظف شده به ملتیکه اکثریت آن بامسیحیان بوده این چنین لطف و محبت نشان دهد ، در سیاست داخلی انعطاف و نرمش پیشه کند ، حقوق و تمایلات مشروع آنها را بر آورد ، بنام اینکه توده ملت مسیحی اند با آنان فاصله نگیرد و از سختی و خشونت و بی اعتنائی و به تفاوتی نسبت بوضع آنان اجتناب کند .

در کشور مصر ، بهنگام صدور این فرمان ، خراج اذمیها یعنی مسیحیان و یهودیان گرفته میشد علی مراعات حال این خراجگزاران غیر مسلمان و اصلاح وضع مالی آنان را چنین توصیه می کند :

« ای مالک ! در امور مالی کشور از راه اصلاح وضع خراجگزاران نیکه بیندیش زیرا صلاح و رفاه همه ملت به خوبی اوضاع خراجگزاران وابسته است بیش از اقدام به جمع آوری خراج ب عمران و آبادی زمین مصر بکوش ، هیچ کس از ملک و سرزمین ویران نتواند خراج بگیرد اگر فرمانروائی از سرزمین ویران مالیات بگیرد بخرابی آن کوشیده است ، ملت را دچار بدبختی کرده است .

اگر در نتیجه حادثه‌ای از حوادث روزگار ؛ زندگی بر کشاورزان مصر تباہ شود ، مثلاً باران از آسمان نیارد یا رود نیل از طغیان سودمندش فرو نشیند ؛ کشتزاران خشک و بی آب ماندو برزگران تهیدست و ناچیز شوند ، آذر راه ممکن در مالیات خراجگزاران تخفیف ده و آنچنان کن که ضعف و ناتوانی مالی آنان جبران شود .»

در میان ملتیکه مالک بر آنها فرمانروا شده بود طبقه فقیر و ثروتمند هر دو وجود داشت ، بیشتر فقیران غیرمسلمان بودند از مسیحیان و یهودیان بودند علی درباره رسیدگی بوضع رقت بار این جمعیت محروم که غالباً غیرمسلمان بودند بمالک چنین دستور میدهد :

« ای مالک ! ترا به تهنی دستان و خانواده های بیچاره و پریشان خاطر ، افتادگان و بینوایان توصیه میکنم ، در میان اینان مردمی یافت شوند که به کمترین نوائی قناعت کنند و همت بلند و نیروی حیای آنها مانع است که دست نیاز بردر ثروتمندان دراز نمایند و گروهی یافت شوند که از دسترنج دیگران زندگی کنند .

در آن هنگام که به تقسیم بیت المال اقدام میکنی بیچارگان مصر را چه آنها که در مرکز حکومت مقیمند و چه آنان که در نقاط دیگر زندگی میکنند از بهره کافی فراموش مکن و میان دوروز دیگره فرق مگذار .

مبادا که جلال و عظمت حکومت تو ، این طبقه محروم و بینوا را از یاد تو بدر برد ؛ لحظه ای فکر و اندیشه ات را از آنان بازمدار .

ای مالک کودکانیرا که در حساسترین سنین عمر ، پرستار را از دست میدهند و یتیم می-شوند ، پیران کهن سال را که بگذشت روزگار نیروی کارشان تمام شده و محتاج دیگران می-گردند ، در پناه خود بگیر ، زندگی آنان را اداره کن .

در مسئله همزیستی مذهبی آیات قرآن مجید را از نظر گذرانندیم و سخنان و دستورات علی ع را بعنوان يك زمامدار اسلامی که روح و روش اسلام را بهتر از هر فرد دیگری میشناخت در این مسئله دیدیم ، همه اینها میرساند چهارده قرن قبل ، درد نیائیکه مفهوم همزیستی مذهبی برای بشر کاملاً ناشناخته بود اسلام آنرا با صراحت کامل شناخته و ملت مسلمان را بآن دعوت نموده است .

بقیه از ص ۴۸ با دست خود بلند کرده بود فرمود: (هن گنت مولاة فهدنا علی مولاة) هر کس من اختیار دار و سرپرست او هستم این علی اختیار دار و سرپرست اوست ، آنگاه آیه شریفه (الیوم اکملت لکم دینکم) نازل شد یعنی امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم (۱) از اینجاست که شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام این روز تاریخی را یکی از بزرگترین عیدها میدانند و برای بزرگداشت این واقعه عظیم اسلامی و تجدید خاطر خلافت علی بن ابیطالب (ع) همه ساله جشن های پر شور و عاشقانه ای بر پا میکنند .

درودی بپایان ما بر تو ای مرد آسمانی و ملکوتی و ای مجسمه تقوی و عدالت و ای دریای بی پایان علم و دانش که هنوز جهان انسانیت به کنه عظمت تو پی نبرده و هر چه زمان بگذرد بیش از پیش ، شخصیت بی مانندت خورشیدوار از پس ابرهای نعصبها بیرون می آید و تجلی میکند و دنیای بشریت را مجذوب خویش میسازد .

(۱) مدارك فراوان حدیث غدیر را از طرق اهل تسنن در همین شماره در مقاله « چرا

مذهب شیعه را انتخاب کردم » میخوانید .